

توسعه انگلی

حرف توسعه که می‌آید، ناخودآگاه همه ذوق می‌کنند که قرار است وضعیتان بهتر شود. مظاهر توسعه می‌آید و زندگی دشوار گذشته پایان می‌یابد. علم و منافع تمدن علم‌محور جانشین زندگی سنتی با رشد تدریجی و کند می‌شود. توسعه‌گران برای دریافت حمایت‌های بیشتر و رفع موانعی که در روند توسعه و در واقعیت ملموس از سوی مردم برای آنها پدید می‌آید، به سرعت سراغ مظاهر توسعه می‌روند. پیش از آن که بنیان‌های توسعه به تولید مظاهر خود بپردازند، نمادهای جدید از سوی توسعه‌گر در قلمرو او گسترده می‌شود.

توسعه‌های بزرگ اقتصادی تک‌پایه، مانند کارخانجات و صنایع بزرگ، پس از مکان‌یابی برای پشتیبانی نیروی کار خود اقدام به ساخت شهرها یا شهرک‌هایی می‌کنند تا کارگران و مهندسانشان در آنها اقامت کنند. فولادشهر و بهارستان اصفهان، الوند قزوین، سرچشمه کرمان و بسیاری نمونه‌های دیگر از این سنخ هستند. شهرهای جدید صنعتی که در وهله اول خوابگاهی هستند، توسط سرمایه‌گذار توسعه‌گر بنا می‌شوند و هزینه ساخت و نگهداری شهر نیز برعهده آنهاست. تدریجاً که شهر بزرگ می‌شود و مشاغل واسطه‌ای هم در آن مستقر می‌گردد، شهر از کمپ اختصاصی صنعت مستقل شده و ذیل قانون شهرداری ادامه مسیر می‌دهد؛ اگرچه در اغلب موارد بزرگترین مالک شهر، همچنان صنعت مادر آن است.

شهرهای صنعتی، منظر دستوری و مهندسی خاص خود را دارند. تقریباً همه یک شکل و با سازمان مدرنیست فضایی ساخته می‌شوند، خیابان‌های شطرنجی با بلوک‌های همگن از حیث کارکرد. از آنجا که پایه‌گذاری شهر مهندسی است، کیفیت معماری و ساخت میانه بر آن حاکمیت دارد. همین ویژگی روحیه صنعتی و دستوری را بر کلیت شهر غلبه می‌دهد. در سیرجان اما، این سیاست کنار گذاشته شد. در دهه هفتاد شمسی معدن گل‌گهر با اقتصاد رو به تزاید در حاشیه آن بنیان‌گذاری شد و اینک بیش از سی هزار کارمند و کارگر دارد که با خانواده به یکصد هزار نفر می‌رسد. برای شهر دویست هزار نفری، افزوده شدن نیمی از جمعیت با تکان‌های شدید همراه است. از این‌رو مدیریت معدن چه در قالب تکلیف قانونی برای تأمین بخشی از هزینه‌های رشد و چه در چارچوب مسئولیت اجتماعی به ارائه خدمات مختلف برای شهر پرداخت. اختلاط سبک کمک و تکلیف، دست مدیریت را برای تعیین نوع و اولویت خدمات بسیار گشود. در عین حال برگ برنده تأمین اعتبار به مدیریت معدن قدرت بلامنازع تصمیم‌گیری در اغلب شوراهای تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری اعطا کرد که آثار آن را در توسعه بی‌رویه شهر و اختلاط شهر و پیرامون بی‌رعایت قواعد متعارف شهری و گرانی زمین و مسکن می‌توان دید. در شرایطی که قوانین حکمروایی شهری در ایران از انسجام کافی برخوردار نیست، بروز پدیده توسعه‌های بخشی در حاشیه شهرها بیش از آن که منجر به ارتقای کیفیت شهر شود، با تحمیل مهاجرت‌های اجباری و تولید تقاضای جدید در سطح شهر، نه تنها به رونق زندگی پایه شهروندان نمی‌انجامد، بلکه مطالبه‌های جدیدتری در شهر ایجاد می‌کند که مدیریت شهری توان پاسخگویی به آن را ندارد. آن‌چه در فرایند این نوع توسعه انگلی، که از زیرساخت‌های شهر قدیم ارتزاق می‌کند نصیب شهر می‌شود، فضاهای نوظهور و غیرمتعارفی است که بی‌واسطه در کنار ساختارهای شهر شهر قدیم جای می‌گیرند. سازمان فضایی شهر نیز با رهاسازی همه قیود متعارف، به دنبال زمین ارزان، بیابان‌های اطراف را درمی‌نوردد و فاصله روستا و شهر را از میان می‌برد. توسعه انگلی چیزی از سازمان فضایی و منظر شهری باقی نمی‌گذارد نه شهر پیش‌اندیشیده جدید است و نه شهر تاریخی و توسعه‌یافته.

مدیرمسئول
سیدامیر منصوری
amansoor@ut.ac.ir

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the authors with publication rights granted to Manzar journal. This is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله

منصوری، سیدامیر. (۱۴۰۴). توسعه انگلی. منظر، ۱۷ (۷۳)، ۳.

DOI: [10.22034/manzar.2025.236864](https://doi.org/10.22034/manzar.2025.236864)

URL: https://www.manzar-sj.com/article_236864.html?lang=fa

